

## مفاهیم فرهنگی مناقشه‌برانگیز در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی ایران: بررسی مقایسه‌ای نظرات اساتید علوم انسانی

محمد عامریان<sup>۱</sup>، آرام رضا صادقی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۳۰)

### چکیده

این پژوهش به مقایسه‌ی نظر استادان رشته‌های حوزه‌ی علوم انسانی درباره‌ی برخی مفاهیم فرهنگی مناقشه‌برانگیز یا دارای قبح عمومی موجود در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی در ایران می‌پردازد. بدین‌منظور، با مراجعه به کتاب‌های رایج آموزش زبان انگلیسی، مشاوره با استادان زبان انگلیسی و علوم اجتماعی و بررسی دید عمومی جامعه، فهرستی از ۲۰ واژه‌ی مبین مفاهیم یادشده در قالب پرسش‌نامه‌ای تشریحی و دارای ارزش‌گذاری عددی تهیه شد و برای نظردهی در اختیار استادان مشارکت‌کننده قرار گرفت. جامعه‌ی آماری این تحقیق برای بررسی‌های مقایسه‌ای، تماماً محدود و شامل استادان رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی، زبان‌شناسی همگانی، زبان و ادبیات عرب، الهیات، و فقه و مبانی حقوق اسلامی در دانشگاه سمنان بوده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان‌دهنده‌ی خنثی‌بودن تعداد بیشتری از مفاهیم مزبور برای استادان رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی و درواقع تساهل و مسامحه‌ی آنها درقبال این مفاهیم بود. درمقابل، پاسخ استادان

۱. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی - تهران / نویسنده مسئول  
amerian921@atu.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه سمنان

رشته‌های حوزه الهیات، معارف اسلامی و زبان عربی حاکی از آن بود که این استادان مؤنست کمتری با واژه‌های یادشده دارند و برای مفاهیم فرهنگی مزبور قبح بیشتری قائل‌اند. به عقیده انجام‌دهندگان این پژوهش، داشتن پیشینه تحصیلی زبانی و در نتیجه آشنایی بیشتر با ادبیات و فرهنگ غرب در دسته اول و داشتن سابقه تحصیلی در حوزه مذهب و نگاه ارزشی و دینی قوی‌تر به دلیل تسلط بر مبانی اسلامی و فقهی در دسته دوم از دلایل احتمالی نتایج به دست آمده است.\*

واژگان کلیدی: زبان، فرهنگ، مفاهیم فرهنگی مناقشه‌برانگیز، استادان علوم انسانی.

#### مقدمه

فرهنگ عبارت است از «ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند، و کالاهای مادی که تولید می‌کنند» (گیدنز، ۱۳۷۶). مفاهیم و نشانه‌های فرهنگی نمادهایی بازتابنده از نوع نگاه، طرز تلقی و بینش هر ملت در باب رخداد‌های پیرامون آن‌اند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین وسیله برای انتقال ارزش‌های فرهنگی زبان است. تقریباً اغلب متخصصان زبان عقیده دارند که زبان در زیرلایه‌های خود محمل و دربردارنده فرهنگ و عناصر فرهنگی است (ر.ک. ا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۱۹۹).

تفاوت‌های بسیاری از نظر ارزش‌ها و شیوه‌های رفتار در میان جوامع وجود دارد (گیدنز، ۱۳۷۶). مفهوم تابو<sup>۲</sup> به جلوگیری از انجام عمل یا استفاده از چیزی اشاره دارد که بنابر تمایزات مذهبی، مقدس یا محترم شمرده می‌شود (بریتانیکا، ۲۰۰۸). استینر<sup>۳</sup> (۱۹۶۷) نیز آن را «هرگونه منفی که موجب اضطراب و شرمساری در یک فرهنگ می‌شود» می‌داند. *دایره‌المعارف علوم اجتماعی* (گولد<sup>۴</sup> و کولب، ۱۳۷۵) تابوها را این‌گونه تعریف می‌کند: «توصیه‌های منفی که تخلف از آنها موجب مجازاتی خودبه‌خود بدون دخالت انسانی یا فرآیند انسانی می‌شود».

\*. با تشکر از سرکار خانم فروغ کرم‌پور دانشجوی دانشگاه سمنان که ما را در انجام این پژوهش یاری دادند.

1. Ur
2. Taboo
3. Steiner
4. Gold

این مفهوم ریشه‌ای پولینزیایی<sup>۱</sup> دارد و به معنای "ممنوع بودن" و "قدغن بودن" است و اولین بار کاپیتان جیمز کوک<sup>۲</sup> طی سفر به کشور تونگا در اقیانوسیه در سال ۱۷۷۱ به آن توجه کرد. هم‌اکنون، تابوها در اقسام مختلف (با سه دسته‌بندی اصلی تابوهای مذهبی، فرهنگی و اخلاقی) در تمام فرهنگ‌ها وجود دارند و بنابر آداب و رسوم، مذهب و پس‌زمینه‌های فرهنگی، از مکانی به مکان دیگر و از قومی به قوم دیگر متفاوت‌اند (سوان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). در واقع، دو ویژگی اصلی تابو، وابستگی آن به فرهنگ و تغییر آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر است (شریفی و دارچینیان، ۱۳۸۸). شریفی و دارچینیان (۱۳۸۸) حوزه‌ها و دسته‌های مفاهیم مزبور را چنین می‌دانند:

۱. روابط خصوصی زن و مرد (چه مشروع و چه نامشروع) و واژه‌های مرتبط با آن، مانند بوسیدن، هم‌آغوشی و...؛
۲. روابط آزاد دختر و پسر قبل از ازدواج و واژه‌های مرتبط با آن، مانند دوست‌دختر، دوست‌پسر و...؛
۳. نام‌بردن اندام‌های تناسلی؛
۴. به‌کاربردن نام هر چیزی که با مشروبات الکلی یا مواد مخدر مرتبط است؛
۵. واژه‌های قبیح و بی‌ادبانه مانند فحش و ناسزا؛
۶. ویژگی‌های بد رفتاری یا عادات بد اجتماعی مانند دزدی و...؛
۷. مسائل و باورهای دینی، اعتقادی و فلسفی که با باورهای پذیرفته‌شده در تضاد باشد؛
۸. بیان برخی مسائل سیاسی که تهدیدکننده جامعه باشد.

انسان‌ها برای استفاده‌نکردن از تابوها راه‌های مختلفی را به کار می‌گیرند. به اعتقاد براون<sup>۴</sup> (۲۰۰۰)، استراتژی پرهیز<sup>۵</sup> راهبرد ارتباطی معمولی است که انسان‌ها برای جلوگیری از کاربرد مفاهیم تابو از آن بهره می‌برند. این استراتژی به سه دسته ساختاری (قاموسی)،<sup>۶</sup> تلفظی<sup>۷</sup> یا موضوعی<sup>۸</sup> تقسیم می‌شود. لینفوت‌هام<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) نیز استفاده از حسن تعبیر<sup>۲</sup> را تکنیک دیگری

1. Polinesians: زبان مردم مجمع‌الجزایری در شرق استرالیا
2. James Cook
3. Swan
4. Brown
5. Avoidance Strategy
6. Structural (Lexical)
7. Pronunciation
8. Topic

می‌داند که متکلمان هر زبان با تمسک به آن از مفاهیم مناقشه‌برانگیز و تابو اجتناب می‌کنند. او حسن تعبیرها را از ابزار قدرتمند زبانی می‌داند که به‌طور عمیقی در زبان‌ها ریشه دوانده و نیاز به آنها هم احساسی و هم اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که امکان می‌دهد مفاهیم حساس را بدون عصبانی کردن، هتک حرمت یا آزرده کردن دیگران استفاده کنیم.

ویلیام رابرتسون اسمیت، جیمز فریزر، ویلهلم واندت و زیگموند فروید (با اثر مشهورش *توتیم و تابو*<sup>۱</sup> در سال ۱۹۱۳) از مهم‌ترین محققان و نظریه‌پردازان در زمینه تابو هستند. فروید با اشاره به اینکه تابوها به‌واسطه نظرات اجتماعی چندگانه و متفاوت ساخته می‌شوند، ماهیت غیرمعقول آنها را (به اعتقاد او) ارائه می‌کند.

یکی از پیچیده‌ترین و درعین حال بارزترین مشخصه‌های متغیرهای اجتماعی رابطه‌شان با زبان است. هر زبان ابعاد مختلفی از فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مربوط به گویشوران خود را نمایش می‌دهد. کتاب‌های آموزش زبان خارجی، علاوه بر تسهیل فرآیند یادگیری زبان دوم، به‌نوعی مستقیم یا غیرمستقیم، فرهنگ مردم مقصد را بازتاب می‌دهند که گاهی هم‌سو و گاهی مخالف با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و آداب‌ورسوم مردم زبان مبدأ است.

گیدنز (۱۳۷۶) سه نظریه امپریالیسم و نوامپریالیسم،<sup>۴</sup> وابستگی<sup>۵</sup> و نظام جهانی<sup>۶</sup> را برای توضیح نابرابری‌های آشکار جهانی مطرح می‌کند که بی‌شک یکی از زمینه‌های آن، حوزه فرهنگی است. نظریه‌های امپریالیسم و نوامپریالیسم به تلاش کشورهای صنعتی برای استیلایافتن بر اقوام دیگر و تحت انقیاد درآوردن آنها از طریق استعمار و... اشاره دارند و نظریه نظام جهانی توسعه ارتباطات مبتنی بر توسعه اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را با محوریت کشورهای هسته معرفی می‌کند. مدل وابستگی در بارزترین این نظریه‌ها هسته اصلی جهان صنعتی را دارای نقش مسلط معرفی می‌کند که به بازتولید و اشاعه فرهنگ خود در میان دیگر فرهنگ‌ها می‌پردازد. گیدنز می‌افزاید: «توسعه روابط اجتماعی جهانی متضمن نابرابری‌های زیاد میان جوامع صنعتی و جوامع جهان سوم است». تماس زبانی حتی می‌تواند در جایگاه فرآیند تحول فرهنگی عمل کند که طی آن در جریان تماس کم‌وبیش پیوسته میان دو یا چند گروه

1. Linfoot-Ham
2. Euphemism
3. Totem and Taboo
4. Imperialism and New-Imperialism
5. Dependence
6. World System

فرهنگی متمایز، یک گروه عناصری را از فرهنگ گروه یا گروه‌های دیگر بگیرد. دور از ذهن نیست که چنین تماس‌هایی ممکن است راه انتقال هنجارهای پذیرفته‌شدهٔ جامعهٔ مقصد به جامعهٔ مبدأ نیز باشد.

### کتاب‌های آموزش زبان و انتقال فرهنگ

درس‌های موجود در کتاب‌های آموزش زبان در بخش‌های گوناگون چنین هنجارهایی را انعکاس می‌دهند و آموزش زبان را در قالب بخش‌هایی همچون مباحثه دربارهٔ موضوع درس<sup>۱</sup>، عکس، فایل صوتی/تصویری، پرسش‌های درک مطلب<sup>۲</sup> و... در بستر آشنایی با جریان‌های فرهنگی خود قرار می‌دهند. دور از ذهن نیست که بسیاری از مفاهیم مزبور مقبول جامعهٔ فراگیرنده نیستند و ممکن است همچون مفاهیمی مناقشه‌برانگیز مطرح شوند که انتقال، تدریس یا ترجمهٔ آنها به تأمل بیشتری نیاز دارد؛ به عنوان نمونه، شریفی و دارچینیان (۱۳۸۸) بر این نکته اذعان کرده‌اند که تابوها طبق فرهنگ و قراردادهای اجتماعی جامعهٔ ما پذیرفتنی نیستند؛ بنابراین نباید در ترجمه به فارسی ظاهر شوند.

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد معلمان، استادان و مسئولان آموزش زبان و کسانی که به‌نحوی با جریان‌های زبانی و فرهنگی قرابت بیشتری دارند چنین مفاهیمی را کمتر هنجارشکن می‌دانند. مدرسان و دانشجویان زبان انگلیسی و به‌طور کلی دانشگاهیانی که بنابر رشتهٔ تخصصی خود بیشتر با مفاهیم زبانی و به‌تبع آن، ادبی و فرهنگی برخورد دارند، طبعاً بیشتر با ظرف مزبور آشنایی خواهند داشت. پژوهش حاضر تدوین شده است تا نظر استادان حوزهٔ علوم انسانی را در باب برخی مفاهیم مناقشه‌برانگیز یا تابوهای فرهنگی موجود در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی در ایران بررسی کند. پیش‌فرض تحقیق چنین بود که استادانی که بنابر رشتهٔ تخصصی خود بیشتر با مقولات زبانی، ادبی و فرهنگی درگیر هستند، درمقایسه با استادانی که بنابر تخصص خود نگاه ارزشی و دینی قوی‌تری دارند، قبح کمتری برای چنین مفاهیمی قائل‌اند.

### پیشینهٔ تحقیق

محققان موضوع نقش تابوها و مفاهیم بین‌فرهنگی مناقشه‌برانگیز در زندگی انسان‌ها و استفادهٔ اقشار مردم از آنها را به‌صورت‌های مختلفی بررسی کرده‌اند. کنبر<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) تابوهای زبانی<sup>۱</sup> را در

1. Discussion
2. Reading Comprehension
3. Qanbar

جامعه‌یمن بررسی کرده و با مطالعه رابطه تابوهای موجود، محیط اجتماعی و ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی آن کشور، دسته‌بندی‌های مختلفی از تابوهای مذهبی و فرهنگی موجود ارائه داده است. او توضیح داده است که چرا بعضی مفاهیم تابو شمرده می‌شوند و با بهره‌گیری از نظریه ادب<sup>۲</sup> (براون و لوینسون<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸) تابوهای زبانی جامعه یمن را توصیف کرده است. برخی محققان نیز از دیدگاه روان‌شناسی زبان به مسئله تابو و نقش آن پرداخته‌اند؛ مثلاً هریس و دیگران<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) واکنش احساسی مخاطبان دوزبانه (ترکی به‌منزله زبان اول و انگلیسی به‌منزله زبان دوم) را به برخورد با واژگان و مفاهیم حاوی معانی تابو در هریک از زبان‌ها و معادل‌های آنها در زبان دیگر بررسی کرده‌اند. در مطالعه‌ای دیگر، دوائل<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) احساس ادراکی افراد چندزبانه را در برابر واژگان تابو و فحاشی سنجیده است. نتیجه این پژوهش نشان داده است که احساس ادراکی این افراد درباره واژگان و مفاهیم یادشده به نقش زبانی و متغیرهای اجتماعی-کاربردی وابسته است؛ ضمن آنکه خانم‌ها احساس شدیدتری به قبح این مفاهیم نشان داده‌اند، ولی سن و میزان تحصیلات تأثیری در پاسخ‌ها نداشته است. باین‌حال، براساس جست‌وجوها، به نظر می‌رسد تاکنون درباره موضوع پژوهش حاضر خصوصاً در کشور ایران تحقیقی صورت نگرفته باشد.

### روش تحقیق

#### مشارکت‌کنندگان

۲۳ عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان از گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی (۵ نفر)، زبان‌شناسی همگانی (۳ نفر)، زبان و ادبیات انگلیسی (۶ نفر)، زبان و ادبیات عرب (۴ نفر)، الهیات (۲ نفر) و فقه و مبانی حقوق اسلامی (۳ نفر) در این پژوهش مشارکت کردند. این افراد همگی مدرک دکتری تخصصی داشتند و سن آنها بین ۳۱ تا ۵۲ بود. در مجموع بیست‌نفر مرد و سه‌نفر زن (دو نفر از گروه زبان و ادبیات انگلیسی و دیگری از گروه زبان و ادبیات فارسی) در این تحقیق مشارکت کردند. دلیل انتخاب این افراد از گروه‌های

1. Linguistic Taboos
2. The Politeness Theory
3. Brown and Levinson
4. Harris et al.
5. Dweae

آموزشی خاص، امکان بررسی مقابله‌ای نظر آنها با توجه به این پیش‌فرض بود که دیدگاه استادانی که به‌نوعی با مقولهٔ زبان، ادبیات و فرهنگ با صبغهٔ دینی/مذهبی کمتر درگیرند (گروه‌های زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی همگانی و زبان و ادبیات انگلیسی) دربارهٔ برخی مفاهیم فرهنگی مناقشه‌برانگیز، تا چه‌اندازه با استادانی تفاوت دارد که بیشتر در معرض چنین موضوع‌هایی قرار دارند (استادان زبان و ادبیات عرب، الهیات و فقه و مبانی حقوق اسلامی).

### ابزار تحقیق

با توجه به ابتکاری بودن موضوع و اینکه استفاده از پرسش‌نامه‌های رایج در علوم اجتماعی ممکن نبود، در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ای استفاده کردیم که براساس اهداف تحقیق طراحی شد. این پرسش‌نامه با بررسی و تحلیل محتوای دو مجموعه از کتاب‌های رایج آموزش زبان انگلیسی در ایران (مجموعهٔ چهارجلدی هرکدام از کتاب‌های اینترچنج<sup>۱</sup> و هدوی<sup>۲</sup>) طراحی شد و شامل بیست‌عنوان کلیدی از مصادیق خرده‌فرهنگ‌ها، رفتارها یا عادت‌های مربوط به زندگی در غرب بود که از نظر برخی افراد در فرهنگ‌های دیگر، از جمله عامهٔ مردم در کشور ایران، قبح عمومی دارند یا ضدارزش هستند. هرکدام از این لغت‌ها و مفاهیم متناظرشان، مفهومی دارای قبح را در اخلاق، فرهنگ و مذهب مردم ایران بیان می‌کنند. برخی حرام (ممنوع) اند و برخی صرفاً جایز نیستند.

عنوان‌های به‌کاررفته در پرسش‌نامه به‌گونه‌های مختلف در متن و تمرین‌های گوناگون این کتاب‌ها تکرار شده بودند. این عنوان‌ها شامل مفاهیم فرهنگی گاه مناقشه‌برانگیز در حوزه‌های فرهنگی، اخلاقی و مذهبی بودند. معیار انتخاب و استخراج این مفاهیم، علاوه بر فراوانی آنها در کتاب‌های رایج آموزش زبان انگلیسی و در واقع تأکید کتاب‌ها بر این مفاهیم، نوعی احساس قبح یا ناهمگونی فرهنگی بود که به‌طور معمول هنگام برخورد اغلب خوانندگان ایرانی و فارسی‌زبان با آنها، مستقیم یا غیرمستقیم، احساس می‌شود. براین اساس، پارتی،<sup>۳</sup> موسیقی (پاپ، راک و...)، گردش مختلط با دوستان،<sup>۴</sup> خوانندهٔ بازیگر زن،<sup>۵</sup> رقص،<sup>۶</sup> روز ولنتاین،<sup>۷</sup> کریسمس،<sup>۱</sup>

1. Interchange
2. Headway
3. Party
4. Mixed Camping
5. Female Singer/ Actor
6. dance
7. Valentine Day

دوست دختر/دوست پسر،<sup>۲</sup> عشق/عاشق شدن،<sup>۳</sup> آرایش،<sup>۴</sup> مد،<sup>۵</sup> قرار ملاقات،<sup>۶</sup> حیوان خانگی،<sup>۷</sup> شانس،<sup>۸</sup> بوسه،<sup>۹</sup> کراوات،<sup>۱۰</sup> مشروب،<sup>۱۱</sup> تجارت،<sup>۱۲</sup> مهاجرت<sup>۱۳</sup> و شرط بندی<sup>۱۴</sup> در قالب ستون اول پرسش نامه به زبان فارسی همراه با ترجمه انگلیسی و به صورت شماره گذاری شده آمده اند. به منظور استخراج دقیق دیدگاه ها، در این پژوهش از ترکیب دو ساختار پرسشی باز<sup>۱۵</sup> (ستون اول پرسش نامه) و بسته<sup>۱۶</sup> (ستون دوم پرسش نامه) استفاده شد. گفتنی است، به منظور پرهیز از پیچیدگی ادراکی و برای سهولت در فهم و پاسخگویی، بعضی مفاهیم مصداقی مطرح در پرسش نامه، به عنوان کلی خود محدود شده اند. در نتیجه، گاه لغت های اضافی تاجایی که امکان داشته حذف شده اند و واژگان به صورت ساده درآمده اند.

همان طور که گفتیم، در این تحقیق میزان استفاده از واژگان و مفاهیم پیش گفته مدنظر نبوده است، بلکه میزان قبح مفهوم مرتبط با آن لغت از نظر استادان ارزیابی شده است. جهت امکان استخراج نظرات کیفی استادان، ستون دوم پرسش نامه به مثابه بخشی برای استخراج نظر آنها به صورت تشریحی طراحی شد که در این قسمت، استادان پاسخگو نظر خود را درباره مفهوم در یک یا چند کلمه که به ذهنشان متبادر می شد آورده اند. ستون آخر پرسش نامه شامل مقیاسی درجه بندی شده برای ارزش گذاری مفاهیم است. این مفاهیم از خنثی تا منفی ۱، منفی ۲، منفی ۳ و منفی ۴ قابل ارزش گذاری بودند که میزان قبح آن مفهوم را در نظر استاد پاسخگو نشان می دهد.

1. Christmas
2. Girlfriend/Boyfriend
3. Love/Falling in Love
4. Make up
5. Fashion
6. Date
7. Pet
8. Chance
9. Kiss
10. Tie
11. Alcoholic Drink
12. Business
13. Migration
14. Lottery
15. Open
16. Closed



پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش						
میزان قبح (بدی) این مفهوم برای من					برای من یعنی؟	سن: ----- جنس: -----
خنثی ← → بد						
۰	-۱	-۲	-۳	-۴		
						۱. پارتنری
						۲. موسیقی (پاپ، راک و...)
						۳. گردش مختلط با دوستان
						۴. خواننده زن / بازیگر زن
						۵. رقص
						۶. روز ولنتاین
						۷. کریسمس
						۸. دوست دختر / دوست پسر
						۹. عشق / عاشق شدن
						۱۰. آرایش (زیبایی)
						۱۱. مد (Fashion)
						۱۲. قرار ملاقات (date)
						۱۳. حیوان خانگی
						۱۴. شانس
						۱۵. بوسه
						۱۶. کراوات
						۱۷. مشروب
						۱۸. تجارت
						۱۹. مهاجرت
						۲۰. شرط بندی

### گردآوری اطلاعات

پرسش‌نامه‌ها برای سهولت در جمع‌آوری و تفسیر اطلاعات کدگذاری شدند. سپس به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، پژوهشگران شخصاً به استادان مراجعه کردند و با توضیح اهداف و چگونگی پژوهش و با تأکید بر اینکه پاسخ‌ها محرمانه باقی خواهد ماند، پرسش‌نامه را به آنها دادند. برای جلوگیری از تأثیر شناخت پرسشگر اصلی (دانشجوی زبان انگلیسی) بر پاسخگویی استادان گروه‌های زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی، پرسش‌نامه‌های مربوط به این استادان با کمک دانشجوی دیگری از دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان با شناخت توانایی او مبنی بر توضیح اهداف تحقیق و جلب مشارکت استادان توزیع شد.

از آنجاکه پژوهش گاه با توجه به نگاه عامه شامل مفاهیم دارای قبح فرهنگی/مذهبی بوده است، در ابتدای پرسش‌نامه به استاد پاسخ‌دهنده اطمینان داده شد که این پرسش‌نامه "صرفاً برای بررسی‌های آماری مربوط به یک تحقیق علمی تدوین شده و پاسخ‌ها به هیچ‌وجه در اختیار افراد دیگر گذاشته نمی‌شود و کاربرد دیگری نخواهد داشت" و تأکید شده بود که به جز سن و جنسیت نیازی به مشخصات استاد پاسخ‌دهنده نیست.

### واکنش‌ها

استادان گروه‌های آموزشی مدنظر در دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان عموماً بدون قید و شرط و پرسش خاصی در این پژوهش مشارکت کردند، ولی در این میان برخی استادان پس از آگاهی از اهداف تحقیق و/یا دیدن پرسش‌نامه مربوط به آن، واکنش‌های درخور توجهی نشان دادند و با دلایل مختلف و حتی بدون دلیل از مشارکت در تحقیق صرف‌نظر کردند. دامنه این واکنش‌ها از ابراز گم‌کردن پرسش‌نامه (و گفتن اینکه حتی اگر دوباره هم بگیرند گم خواهند کرد)، تا ذکر اینکه پژوهش با ارزش‌های مذهبی و فرهنگی مغایر است در نوسان بود. در موارد دیگر، برخی استادان واکنش‌هایی از قبیل ابراز نکردن نظر واقعی در پرسش‌نامه در صورت تکمیل فرم یا نسبی بودن مفاهیم موجود را به‌منزله توجیه پاسخ‌ندادن به پرسش‌ها مطرح کردند که طبعاً این‌گونه واکنش‌ها تعداد افراد مشارکت‌کننده را نیز کاهش داد.

از آنجاکه مفاهیم مزبور با توجه به ارزش‌های جاری جامعه ایران به نوعی دارای قبح بوده‌اند، تصور می‌شد نظر استادان با درجات مختلفی از ارزش‌گذاری منفی یا حداکثر خنثی بیان شود که چنین نبود. در حقیقت، در واکنشی جالب توجه، برخی استادان مشارکت‌کننده حتی از نبود بخش مثبت در ارزش‌گذاری مفاهیم گله کردند (برای مثال، مفهوم کراوات از نظر تعدادی از استادان مفهوم بدی نبود). ابهام یا دوپهلویی در معنی برای برخی مؤلفه‌ها، وابستگی نظر درباره بعضی مؤلفه‌ها به برخی موقعیت‌ها، قبیح‌نبودن و حتی محبوب‌بودن برخی از این مفاهیم و کلی‌بودن برخی مفاهیم از جمله دیگر واکنش‌های مشاهده‌شده بود.

### نتایج

#### نتایج کمی

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌های دریافتی به دو صورت کمی و کیفی تجزیه و تحلیل شد. در بخش کمی، نظر استادان با توجه به ارزش‌گذاری‌های ایشان در بخش مقیاس دار (ر.ک.

ضمیمه) به صورت دو بخش کلی "قبیح کم" و "قبیح زیاد" تقسیم شد. معیار این دو اصطلاح به ترتیب میزان پاسخ‌های دارای ارزش‌گذاری صفر و منفی یک به منزله قبیح کم و منفی دو، منفی سه و منفی چهار به منزله قبیح زیاد بوده است. بر این اساس، استادان به دو گروه تقسیم شدند. ضمناً، استادان برای بررسی‌های مقایسه‌ای تحقیق به دو گروه "یک" (شامل استادان گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی) و "دو" (شامل استادان گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات عرب، الهیات و فقه و مبانی حقوق اسلامی) تقسیم شدند (جدول‌های ۱ و ۲).

جدول ۱. نتایج بخش کمی پرسش‌نامه‌های گروه ۱ (شامل استادان گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی،

زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی)

شماره مشخصه استاد / گروه آموزشی	تعداد پاسخ قبیح کم	تعداد پاسخ قبیح زیاد	تعداد عنوان بی پاسخ
استاد شماره ۱ / زبان و ادبیات فارسی	* ۱۲	۸	-
استاد شماره ۲ / زبان و ادبیات فارسی	-	* ۲۰	-
استاد شماره ۳ / زبان و ادبیات فارسی	* ۱۳	۷	-
استاد شماره ۴ / زبان و ادبیات فارسی	۳	* ۱۷	-
استاد شماره ۵ / زبان و ادبیات فارسی	* ۹	۸	۳
استاد شماره ۶ / زبان و ادبیات انگلیسی	۸	* ۱۲	-
استاد شماره ۷ / زبان و ادبیات انگلیسی	۸	* ۱۲	-
استاد شماره ۸ / زبان و ادبیات انگلیسی	۹	* ۱۱	-
استاد شماره ۹ / زبان و ادبیات انگلیسی	* ۱۹	۱	-
استاد شماره ۱۰ / زبان و ادبیات انگلیسی	* ۱۲	۸	-
استاد شماره ۱۱ / زبان و ادبیات انگلیسی	۸	* ۱۲	-
استاد شماره ۱۲ / زبان‌شناسی همگانی	* ۱۷	۳	-
استاد شماره ۱۳ / زبان‌شناسی همگانی	* ۱۵	۵	-
استاد شماره ۱۴ / زبان‌شناسی همگانی	* ۱۱	۹	-

جدول ۲. نتایج بخش کمی پرسشنامه‌های گروه یک (شامل استادان گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات عرب،

الهیات، و فقه و مبانی حقوق اسلامی)

شماره مشخصه استاد/گروه آموزشی	تعداد پاسخ قبح کم	تعداد پاسخ قبح زیاد	تعداد عنوان بی پاسخ
استاد شماره ۱/ زبان و ادبیات عرب	۵	* ۱۵	-
استاد شماره ۲/ زبان و ادبیات عرب	۵	* ۱۵	-
استاد شماره ۳/ زبان و ادبیات عرب	۶	* ۱۴	-
استاد شماره ۴/ زبان و ادبیات عرب	۷	* ۱۳	-
استاد شماره ۵/ الهیات	-	* ۲۰	-
استاد شماره ۶/ الهیات	* ۱۷	۳	-
استاد شماره ۷/ فقه و مبانی حقوق اسلامی	* ۱۲	۸	-
استاد شماره ۸/ فقه و مبانی حقوق اسلامی	۱۰	۱۰	-
استاد شماره ۹/ فقه و مبانی حقوق اسلامی	۳	* ۱۷	-

\* = نظر غالب هریک از استادان مشارکت‌کننده (قبح کم یا قبح زیاد)

براساس نتایج، از ۱۴ مشارکت‌کننده عضو گروه ۱، ۶ نفر (۴۲٫۸۵ درصد) قبح زیادی برای اکثر مفاهیم مطرح‌شده قائل بودند، درحالی‌که این رقم به نسبت در گروه ۲ (شامل ۶ نفر از ۹ نفر) به ۷۵ درصد افزایش یافت (نمودارهای ۱ و ۲).

پرسش‌نامه استاد شماره ۸ در جدول گروه دو، بدون توضیح تشریحی و تعداد پاسخ‌های قبح زیاد و قبح کم آن، کاملاً با همدیگر مساوی بود (آنچه در جدول بالا با دو علامت سؤال مشخص شده است). بنابراین، درصد از هشت نفر محاسبه شده است.

### تفسیر نتایج کمی

نگاهی به جدول‌های ۱ و ۲ تفاوت معناداری را میان نظر استادان متعلق به گروه ۱ و ۲ نشان می‌دهد. این نمودارها نشان می‌دهند در مجموع، استادان متعلق به گروه ۱ (زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی) نگاهی مسامحه‌آمیزتر و خنثی به مفاهیم مطرح‌شده دارند و در واقع به نسبت قبح کمتری برای موارد یادشده قائل هستند، درحالی‌که استادان گروه ۲ (زبان و ادبیات عرب، الهیات و فقه و مبانی حقوق اسلامی) در نقطه مقابل قرار دارند.

با توجه بیشتر به نتایج چند نکته جالب توجه نیز فهمیده می‌شود: نخست آنکه هر سه استاد گروه آموزشی زبان‌شناسی همگانی نسبت بیشتری از مفاهیم یادشده را دارای قبح کم می‌دانند و این نکته درباره دو استاد از این سه نفر به‌طور چشم‌گیری دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که این دو از فهرست بیست‌موردی، فقط سه و پنج مورد را دارای قبح زیاد می‌دانند. نقطه مقابل نتیجه مزبور در باب استادان زبان و ادبیات عرب است که هر چهار نفرشان تعداد بسیار بیشتری از مفاهیم را قبیح می‌دانند (۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۵ مورد).

نکته دیگر آن است که با وجود انتظار، استادان زبان انگلیسی مؤانست کمتری با این مفاهیم دارند تا استادان زبان فارسی. براساس نتایج، سه نفر از پنج استاد زبان و ادبیات فارسی (۶۰ درصد) تعداد بیشتری از مفاهیم را دارای قبح کم می‌دانند؛ در صورتی‌که در باب استادان مشارکت‌کننده از گروه زبان و ادبیات انگلیسی، با وجود برخورد بسیار بیشتر با کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی و در نتیجه آشنایی بیشتر با مفاهیم، این مقدار به‌طور درخور توجهی کمتر است. در واقع، فقط دو نفر از شش نفر (۳۳ درصد) استاد زبان انگلیسی بیشتر مفاهیم یادشده را دارای قبح کم می‌دانستند.

موضوع درخور توجه دیگر مربوط به استاد شماره ۶ از گروه ۲ است (استاد الهیات دوم). او به‌میزان بسیار زیادی (۱۷ مورد = ۸۵ درصد کل موارد) به قبح کم مؤلفه‌ها قائل بوده است. به‌عقیده پژوهشگران، یکی از مهم‌ترین علت‌های چنین انتخاب‌هایی از سوی این استاد (همان‌گونه که پیش‌فرض تحقیق ادعا می‌کند) ممکن است آشنایی او با فرهنگ، زبان و ادبیات و داشتن پس‌زمینه ادبی و فرهنگی باشد.

### نتایج کیفی و تفسیر آن

در باب داده‌های کیفی، ستون دوم پرسش‌نامه تحت بررسی محتوایی قرار گرفت و مفاهیم کلیدی آن پس از استخراج بررسی شد (بعضی استادان برخی عنوان‌ها را بی‌پاسخ رها کرده‌اند). در مجموع ۹ نفر از مشارکت‌کنندگان، ستون وسط پرسش‌نامه مربوط به پاسخ تشریحی را به‌طور کامل خالی گذاشته‌اند که براساس احتمالات بعد از گفت‌وگوی شفاهی با استادان، به‌عقیده پژوهشگران، سه علت زیر از مهم‌ترین دلایل این اقدام است:

۱. نداشتن فرصت یا حوصله کافی برای پاسخ‌دادن؛
۲. تصور ابهام یا کلی‌گویی در گزینه‌های موجود؛
۳. ترس از عواقب پاسخ‌دادن تفصیلی و تشریحی به پرسش‌ها (با توجه به مناقشه‌برانگیز بودن مفاهیم).

در ادامه، نتایج حاصل از این بررسی با ارائه جدولی از پاسخ‌های موجود در پرسش‌نامه آمده است. ابتدا هر عنوان و نظر استادان دو گروه درباره آن و سپس جمع‌بندی مختصر و کلی براساس نظرات متعلق به هر بخش قابل مشاهده است.

**نتایج بخش تشریحی پرسش‌نامه (... برای من یعنی؟)**

مفهوم مطرح شده	نظر استادان گروه ۱ (زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی، زبان‌شناسی همگانی)	نظر استادان گروه ۲ (زبان و ادبیات عرب، الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی)
۱. پارتی... برای من یعنی؟	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مهمانی غیرمتعارف</li> <li>• تفریح</li> <li>• بستگی به فرهنگ دارد (در فرهنگ ما قبیح است).</li> <li>• بزن و برقص</li> <li>• می‌تواند بد باشد (مثل ایکس‌پارتی).</li> <li>• موسیقی، رقص، خنده و شادی</li> <li>• بی‌نظمی و بی‌بندوباری جوانان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• قاطی بودن محرم و نامحرم</li> <li>• مهمانی گرفتن و دیدوبازدید ملی و اسلامی خوب است ولی به شکل مشهور غربی آن زشت است.</li> <li>• خوشایند نیست. از پارتی متنفرم!</li> <li>• سرگرمی، تبادل افکار</li> <li>• بستگی به مفهوم آن دارد</li> <li>• بسیار از آن منزجرم</li> </ul>

• جمع‌بندی: درباب پارتی، بیشتر استادان گروه ۱ نظرات مثبتی داشتند و آن را با معانی مثبت و شاد تداعی کرده‌اند؛ درحالی‌که استادان گروه ۲ (غیر از یک نفر) آن را در معنای رایج غربی خود درنظر گرفته‌اند و از دیدگاه دینی نادرست دانسته‌اند.

۲. موسیقی (پاپ، راک و...)	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نوگرایی در موسیقی</li> <li>• علاقه، تفریح و سرگرمی برای جوانان</li> <li>• حال کردن</li> <li>• بستگی به موسیقی دارد</li> <li>• هیجان و جوانی</li> <li>• ناراحت کننده</li> <li>• خیلی‌ها علاقه دارند ولی نمی‌دانند چیست</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نوعی موسیقی که مخرب موسیقی سنتی ایران است و معمولاً خوانندگان آن هیچ مایه موسیقایی ندارند</li> <li>• شکل پذیرفته شده و جاافتاده آن اشکالی ندارد ولی شکل غربی آن اصلاً خوب نیست</li> <li>• احساس منفی دارم نسبت به آن</li> <li>• بعضی انواع آن برایم خوشایند است</li> <li>• تصور می‌کنم در تقابل یا تعارض با موسیقی سنتی در ذهن من است</li> <li>• اصلاً هیچ علاقه‌ای به آن ندارم</li> </ul>
---------------------------	---	---

• جمع‌بندی: استادان گروه ۱ دیدگاه مثبت‌تری داشتند و گاه به آن علاقه‌مند بودند، درحالی‌که استادان

گروه ۲ یا اصلاً علاقه‌ای به آن نداشتند یا انواع مطرح‌شده موسیقی (پاپ، راک، ...) را با ارزش‌های دینی و موسیقی سنتی مغایر دانسته‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• دوست غیرهمجنس معنا ندارد</li> <li>• گردش مختلط خانوادگی و فامیلی</li> <li>• با حفظ موازین اسلامی خوب است ولی با نامحرم خوب نیست</li> <li>• قابل قبول نیست</li> <li>• اگر کار علمی نداشته باشم برایم جذاب است</li> <li>• هیچ تجربه‌ای در این باره ندارم</li> <li>• جز اتلاف وقت چیزی نیست</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• یک روز علمی خوب</li> <li>• تفریح دانشجویی و جوانی</li> <li>• سرگرمی</li> <li>• رفتن به طبیعت و فعالیت فیزیکی</li> <li>• عادی</li> <li>• هر جور می‌تواند باشد؛ هم خوب هم بد</li> </ul>	<p><b>۳. گردش مختلط با دوستان</b></p>
--	--	---------------------------------------

• جمع‌بندی: استادان گروه ۱ با اجماع نظر چنین گردش را خوب، مثبت، مفرح، سرگرم‌کننده و... دانسته‌اند، درحالی‌که استادان گروه ۲ یا صرفاً عدم علاقه خود را ابراز کردند یا با ارجاع به موازین اسلامی با آن مخالفت کردند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• می‌تواند با رعایت حدود شرعی مجاز باشد</li> <li>• با رعایت شئون اسلامی خوب است</li> <li>• خواننده زن قابل قبول نیست.</li> <li>• بازیگر زن تا حدی قابل قبول است</li> <li>• مثل انواع مرد آن است</li> <li>• بستگی دارد. چه نوع خوانندگی؟ چه نوع بازیگری؟</li> <li>• تا حد زیادی به معنای کاستن از ارزش وجودی زن است</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• فرقی با انواع مرد آن ندارند</li> <li>• هنر همواره در تاریخ مورد استبداد و تبعیض بوده است</li> <li>• خواننده زن با بازیگر زن متفاوت است</li> <li>• تحریک‌زا</li> <li>• زیبایی/اسکسی</li> <li>• زیبا</li> <li>• معمولاً موفق‌ترند</li> </ul>	<p><b>۴. خواننده زن/بازیگر زن</b></p>
--	---	---------------------------------------

• جمع‌بندی: اکثر قریب به اتفاق استادان گروه ۱ یا خواننده و بازیگر مرد و زن برایشان تفاوتی نداشت یا خوانندگان و بازیگران زن را جذاب‌تر دانسته‌اند. بیشتر استادان گروه ۲ نیز خواننده زن را با ارزش‌های دینی مغایر دانستند و با رعایت حدود شرعی و شئون اسلامی، بازیگر زن را مجاز دانستند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• نه برای مرد پسندیده است نه برای زن مگر آنکه رقص زن برای زنان باشد</li> <li>• رقص زن و مرد برای همسر خود اشکالی ندارد</li> <li>• بدترین کار، بی‌معنی و دور از</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مسخره</li> <li>• هنر و ورزش</li> <li>• بی‌بندوباری</li> <li>• بستگی دارد در حضور چه کسانی باشد</li> <li>• تخلیه انرژی، هنر</li> </ul>	<p><b>۵. رقص</b></p>
--	--	----------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>• شخصیت انسانی</li> <li>• هنر آمیخته با هوش</li> <li>• نباید مختلط باشد (تبعات حاصل از اختلاط را نمی‌توان پذیرفت)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• بی‌معنی</li> <li>• می‌تواند خوب یا مبتذل باشد</li> </ul>	
---	---	--

• جمع‌بندی: استادان گروه ۱ دربارهٔ رقص نگاه محتاطانه‌تری داشتند و دامنهٔ وسیعی از نظرات را ابراز کرده‌اند (از بی‌معنی، مسخره و بی‌بندوباری گرفته تا بستگی داشتن به حضور افراد دیگر، تخلیهٔ انرژی، ورزش و هنر). در آن طرف، بیشتر استادان گروه ۲ بر مختلط‌نبودن رقص تکیه داشتند و فقط رقص زن برای شوهر خود یا رقص زن برای زن را مجاز دانسته‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• برای فرهنگ ایرانی اسلامی ناپسند است</li> <li>• برای غربی‌ها خوب است ولی نیازی نیست برای ما الگو باشد چون روز زن، روز مرد و... داریم</li> <li>• مسخره</li> <li>• بهانه‌ای برای تحکیم دوستی‌ها</li> <li>• در ساختار ذهنی معرفتی ایرانی ظاهراً مفهومی ندارد</li> <li>• بسیار مناسب برای ابراز احساسات مثبت و واقعی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• برایم هیچ معنا و مفهومی ندارد</li> <li>• یادآور معشوق اما در فرهنگی خارجی</li> <li>• تقلید از فرهنگ غرب، ولی ضرورتاً چیز بدی نیست</li> <li>• روز عشاق</li> <li>• بی‌ربط</li> <li>• به ما ربطی ندارد ولی باید با آن آشنا باشیم</li> </ul>	<p>۶. روز ولنتاین</p>
---	---	-----------------------

• جمع‌بندی: اغلب استادان گروه ۱ روز ولنتاین را به طور کامل طرد نکردند، ولی آن را نشئت گرفته از فرهنگ غرب و بی‌ربط به فرهنگ ما دانسته‌اند. نظر بیشتر استادان گروه ۲ نیز شباهت بسیاری به استادان گروه ۱ دارد.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• برای مسیحیان مورد احترام است ولی برای ما مسلمانان نه جاذبه دارد نه دافعه</li> <li>• روز میلاد حضرت مسیح(ع) برای ما نیز مبارک است</li> <li>• مخصوص مسیحیان؛ نه مسلمانان</li> <li>• برایم معنای ویژه‌ای ندارد ولی به‌عنوان جشن به آن علاقه‌مندم</li> <li>• موجب خشنودی گروهی عظیم از اینای بشر است</li> <li>• فرصت طلایی برای بازنگری در زمان و عمر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شادی برخی هم‌وطنانم، یادبود حضرت عیسی</li> <li>• آغاز سال نو برای برخی هم‌وطنانم</li> <li>• به‌عنوان یک عید مذهبی مسیحیان پسندیده و قابل احترام است</li> <li>• عید پاک</li> <li>• بزرگ‌ترین جشن مذهبی دنیا</li> <li>• حضرت مسیح درخت تزئین شدهٔ کاج</li> <li>• زیبا</li> </ul>	<p>۷. کریسمس</p>
---	---	------------------



	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آشنایی با آن می‌تواند سبب منسجم‌تر شدن انسان‌ها شود</li> </ul>	
--	---	--

• جمع‌بندی: درباب کریسمس نیز اتفاق نظر زیادی بین دو گروه استادان دیده می‌شود. بیشتر استادان دو گروه، آن را جشن مذهبی بزرگی می‌دانند که موجب وحدت ادیان و خشنودی جمع زیادی از مردم دنیاست.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• خط قرمز، خروج از معیار</li> <li>• شاید اقتضای سن</li> <li>• عبور از خط قرمز</li> <li>• در فرهنگ اسلامی حرام است</li> <li>• یک امر طبیعی</li> <li>• زشت</li> <li>• واقعیتی است که باید پذیرفت ولی در چارچوب آداب و مذهب</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• پسندیده آن است که پسر؛ دوست پسر و دختر، دوست دختر داشته باشد</li> <li>• در فرهنگ اسلامی نامزدی و عقد و دوران عقد داریم و نیازی به ارتباط دیگری نیست</li> <li>• کاری بی‌معنی و مضر</li> <li>• مگر فرقی می‌کند؟</li> <li>• با دوستی پسران و دختران به خاطر نتایج و آثاری که دیده‌ام (نه صرفاً از منظر شرع) مخالفم</li> <li>• اگر خوبش پیدا شود بسیار مفید و نافع است</li> </ul>	<p><b>۸. دوست دختر/دوست پسر</b></p>
--	--	-------------------------------------

• جمع‌بندی: برخلاف انتظار، اغلب استادان گروه ۱ مفهوم شماره ۸ را خط قرمز و نادرست دانسته‌اند و در رده بعدی این گروه استادانی هستند که آن را امری طبیعی و اقتضای سن شمرده‌اند. اکثر قریب به اتفاق استادان گروه ۲ نیز طبق انتظار دیدگاه خود را به صورت تفصیلی بیان کرده‌اند و دوستی دختر با پسر را با شعائر دینی مغایر دانسته‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• بخشی از تحول انسانی</li> <li>• طبیعی</li> <li>• بستگی دارد چگونه مطرح شود</li> <li>• خیلی خوب</li> <li>• خیلی عالی</li> <li>• حرارت دوران جوانی و قبل از ازدواج</li> <li>• خوب و هیجان‌انگیز</li> <li>• واقعیتی است که باید پذیرفت ولی در چارچوب آداب و مذهب</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• به شرط آنکه صادقانه و از روی انتخاب درست باشد و منجر به ازدواج شود، ایرادی ندارد</li> <li>• در صورتی که با موازین اسلامی سازگار باشد (که غالباً نیست)</li> <li>• گول‌زدن خود</li> <li>• عشق واقعی یا توهم عشق؟ دوست داشتن یا خودشیفتگی؟</li> <li>• اگر منظور عشق مجازی است هیچ وقت نتوانستیم آن را با عقلانیت جمع کنیم. به‌ویژه همواره این سؤال را دارم که مگر می‌شود کسی عاشق یک انسان ناقص معمولی پر از</li> </ul>	<p><b>۹. عشق/عاشق شدن</b></p>
--	---	-------------------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>• عیبی مثل خودش شود؟! اگر در زندگی مشترک حاکم شود زندگی دوام می‌یابد</li> </ul>		
--	--	--

• جمع‌بندی: اکثر استادان گروه ۱ عشق/عاشق شدن را بدون قیدوشرط مفهومی مثبت و خوب ارزیابی و احساس خوبی به آن ابراز کرده‌اند، ولی بیشتر استادان گروه ۲ آن را مشروط به ازدواج و سازگاری با موازین اسلام مجاز شمرده‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• به‌اندازه باشد پاکیزگی است</li> <li>• تلاشی برای زیبایی</li> <li>• خوب است</li> <li>• بستگی دارد چگونه مطرح شود</li> <li>• خودنمایی</li> <li>• خیلی عالی است (ولی نه در حضور نامحرم)</li> <li>• لازمه زنان</li> <li>• زیبا</li> <li>• سعی در زیباتر جلوه کردن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• برای زن در بیرون از خانه پسندیده نیست</li> <li>• خوب است به شرطی که تقلید کورکورانه از غرب نباشد</li> <li>• تا حد معقول</li> <li>• اگر متناسب باشد نوعی هنر است</li> <li>• ازمنظر نظم اجتماعی و آنچه اثری مثبت می‌نامند موافقم</li> <li>• در حد متعارف بسیار لازم و بلکه واجب است</li> </ul>	<p>۱۰. آرایش (زیبایی)</p>
---	---	---------------------------

• جمع‌بندی: اغلب استادان گروه ۱ آرایش را دارای ارزشی مثبت، خوب و موجب زیبایی شمرده‌اند. درمقابل، استادان گروه ۲ اعتقاد دارند آرایش مجاز است به شرطی که اگر برای زن است بیرون خانه نباشد، تقلید کورکورانه نباشد و در حد متعارف باشد.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• نوگرایی افراطی</li> <li>• علاقه و عدم تثبیت</li> <li>• خوب است</li> <li>• لختی</li> <li>• بستگی دارد</li> <li>• قیافه‌های عجیب و غریب و غیرمتعارف</li> <li>• خوب</li> <li>• به رسم زمانه رفتار کردن (مخصوصاً لباس پوشیدن)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اگر ثابت باشد و با چارچوب عقلی پوشش منافاتی نداشته باشد ایرادی ندارد</li> <li>• در صورتی خوب است که با استقلال شخصیت انسان معارض نباشد</li> <li>• دادن عقل خود به دیگران</li> <li>• نوعی به‌روزشدن و پویایی به‌شرطی که از حد منطقی و هنجار خیلی دور نشود</li> <li>• چون همانی است که هر لحظه به‌شکلی بت عیار است، گاه موجب آشفته‌گی نظم اجتماعی می‌شود</li> <li>• تضییع‌کننده وقت و عمر و خالی‌کننده جیب انسان</li> </ul>	<p>۱۱. مُد</p>
---	--	----------------

• جمع‌بندی: بیشتر استادان گروه ۱ مُد را هم‌معنی با افراط، عدم تثبیت و غیرمتعارف دانسته‌اند. نکته جالب

توجه آن است که گروه ۲ اما همچنان با لحاظ کردن قیود و شروط، مد را نیز بی‌اشکال دانسته‌اند. از مقایسه نظر دو گروه فهمیده می‌شود اغلب استادان گروه ۱ احساس خوبی به مد نداشته‌اند و این احساس را با الفاظ تک‌کلمه‌ای یا عبارات محدود رسانده‌اند، ولی استادان گروه دو این مفهوم را نیز با شرایط ذهنی خود منبعث از ارزش‌های دینی سنجیده‌اند. به عبارت دیگر درباب این مفهوم، دیدگاه نسبی و شخصی گروه ۱ و نظر مطلق و مقیاسی گروه ۲ واضح‌تر دیده می‌شود.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• اگر منظور قرار ملاقات پسر جوان با دختر جوان است از نظر بنده ناپسند است</li> <li>• به اصطلاح اروپای غربی هیچ مناسبتی با فرهنگ ما ندارد</li> <li>• دوزدن</li> <li>• با کسی که شایستگی آن را داشته باشد موافقم</li> <li>• بستگی دارد. قرار چه کسی با چه کسی؟</li> <li>• نشانه انضباط و اهمیت قائل شدن برای وقت و خیلی مهم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• می‌تواند پیش بیاید</li> <li>• گاهی ضروری</li> <li>• مخفی‌کاری</li> <li>• در دسر</li> <li>• هیجان‌انگیز</li> <li>• آغاز برخورد، پاسخگویی به گرایش</li> </ul>	<p><b>۱۲. قرار ملاقات</b></p>
--	--	-------------------------------

• جمع‌بندی: بیشتر استادان گروه ۱ قرار ملاقات را یا خنثی (می‌تواند پیش بیاید، گاهی ضروری...) یا به کل منفی (مخفی‌کاری، در دسر) ارزیابی کرده‌اند. استادان گروه ۲ بر سازگاری شرایط قرار ملاقات با موازین دینی و بومی تأکید دارند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• نگهداری حیوان خانگی در خانه برای بنده هیچ توجیهی ندارد</li> <li>• مرغ و خروس و ماکیان اشکالی ندارد ولی نجس‌ها مشکل دارند</li> <li>• نباشد بهتر است</li> <li>• با انواع کمتر آلوده و کم سروصدای آن موافقم</li> <li>• نوعاً منشأ بیماری است و اگر هم نباشد، موجب مخارج و هزینه برای بعضی‌ها</li> <li>• بسیار دوست‌داشتنی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دوست ندارم. چندشم می‌شود</li> <li>• گرفتن حقوق طبیعی موجود برای لذت خودم</li> <li>• تنهایی و بی‌اعتقادی</li> <li>• بستگی به نوع حیوان دارد ولی کلاً نمی‌پسندم. نوعی حیوان‌آزاری است. محبوس در قفس</li> <li>• موجود ضعیف و سرگرم‌کننده</li> <li>• کثیف</li> <li>• اسباب‌بازی از نوع پیشرفته</li> </ul>	<p><b>۱۳. حیوان خانگی</b></p>
--	--	-------------------------------

• جمع‌بندی: به نظر می‌رسد استادان گروه ۱ علاقه زیادی به نگهداری حیوان خانگی ندارند و دلایل این بی‌علاقگی از چندش‌آور بودن تا تزیین حقوق حیوانات، بی‌اعتقادی و کثیفی متغیر است. استادان گروه ۲ نیز با استادان گروه ۱ هم‌نظرند، با این تفاوت که این استادان، نجس و بیماری‌زانی بودن را هدف توجه بیشتری قرار داده‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• تاحدودی در بعضی موارد وجود دارد ولی خیلی نمی‌تواند کارساز باشد</li> <li>• به‌جای اعتقاد به شانس بهتر است دعا و راز و نیاز با خدا را برنامه‌ریزی کنیم</li> <li>• مفهومی ندارد</li> <li>• فقط در حد اتفاق؛ نه اعتقاد</li> <li>• از مفهوم مبهمی به نام بخت یا شانس تصور یا تصویر درستی ندارم</li> <li>• انگیزه، تلاش و اتکای فرد به خداوند</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اعتقادی ندارم</li> <li>• نتیجه احتمالات و تصادفات</li> <li>• به‌معنای احتمال نه خوب است و نه بد</li> <li>• تنبلی</li> <li>• عقیده ندارم</li> <li>• بیست درصد زندگی. بعضی‌ها بیشتر دوست دارند</li> <li>• بی‌معنی</li> <li>• یک مفهوم ساختگی</li> </ul>	<p>۱۴. شانس</p>
---	--	-----------------

• جمع‌بندی: همه استادان گروه یک شانس را قبول نداشتند یا به آن اعتقاد نداشتند. آنها واژه احتمال را ترجیح داده‌اند. استادان گروه ۲ در این زمینه کم‌وبیش نظراتی همانند دسته اول ابراز کرده‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• اگر منظور بوسه دو جنس مخالف است برای دو نامحرم هیچ توجیهی ندارد و حرام است</li> <li>• بوسه به نامحرم حرام است ولی بین والدین و فرزند و زن و شوهر اشکالی ندارد</li> <li>• گناه نداشته باشد</li> <li>• بهترین راه نشان دادن دوستی سالم</li> <li>• از چه کسی بر چه کسی؟</li> <li>• از سر محبت بسیار پسندیده است</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• یکی از انعکاس‌های عاطفی انسان</li> <li>• یکی از رفتارهای انسان</li> <li>• بستگی دارد چگونه مطرح شود؛ بوسیدن فرزند خیلی هم خوب است</li> <li>• لذت‌بردن نامشروع</li> <li>• بستگی دارد</li> <li>• آغاز عشق و یک رابطه جنسی</li> <li>• زیبا</li> <li>• اظهار علاقه</li> </ul>	<p>۱۵. بوسه</p>
--	--	-----------------

• جمع‌بندی: در مجموع، بیشتر استادان گروه ۱ مفهوم بوسه را زیبا و یکی از رفتارهای عاطفی انسان برای ابراز علاقه دانسته‌اند. بخش نه چندان کم دیگری از این افراد نیز قبح یا عدم قبح آن را وابسته به شرایط دانسته‌اند. استادان گروه ۲ اما بوسه را مشروط به محرم‌بودن دونفر دانسته‌اند و در غیر این شرایط آن را گناه می‌دانند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• یکی از موارد پوشش‌های غربی است که پوشیدن آن در جمع‌های اروپایی ایرادی ندارد</li> <li>• از نشانه‌های وابستگی به فرهنگ غرب است</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نظم و ترتیب</li> <li>• بعضی‌ها با آن مشکل دارند</li> <li>• بخشی از لباس مردان غربی است؛ پس به خودی خود نه خوب است نه بد</li> </ul>	<p>۱۶. کراوات</p>
--	---	-------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>• اشکال ندارد</li> <li>• استفاده نمی‌کنم ولی اگر نشانه تمیزی و تناسب باشد خیلی خوب است</li> <li>• نمادی است از لباس غرب و برای برخی از هم‌وطنان موجب افتخار و بزرگ‌پنداری خویش</li> <li>• بسیار از آن متنفرم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شیک‌بودن</li> <li>• تقلید از فرهنگ غرب</li> <li>• مرتب‌بودن، مراسم رسمی</li> <li>• غیرضروری</li> <li>• یک نوع Variety (تنوع)</li> <li>• درکنار انواع دیگر</li> </ul>	
--	---	--

• جمع‌بندی: نظر استادان گروه ۱ در این زمینه به سه دسته خوب، بد و خنثی تقسیم‌پذیر است. دسته‌ای از این استادان *کراوات* را با نظم و ترتیب، و شیک و مرتب و رسمی بودن تداعی کرده‌اند. دسته دیگر آن را متعلق به فرهنگ غرب دانسته‌اند و بخش دیگری هم آن را نه خوب و نه بد، غیرضروری و یک تنوع درکنار تنوع‌های دیگر برشمرده‌اند. بیشتر استادان گروه ۲ همانند دسته دوم از گروه ۱، کراوات را متعلق به فرهنگ غرب دانسته‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• در اسلام حرام است و به نظرم هیچ ارزش غذایی ندارد</li> <li>• حرام است و تمایل به آن اقدام ضد قرآن کریم است</li> <li>• حرام</li> <li>• اگر برای سلامتی مفید باشد موافقم</li> <li>• موجب زوال عقل است و شرعاً حرام و قانوناً ممنوع</li> <li>• چیزی که به مخیله‌ام راه نمی‌یابد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• گناه</li> <li>• شخصاً میلی به آن ندارم</li> <li>• حرام است</li> <li>• حرام و مخرب</li> <li>• غرب، بی‌بندوباری</li> <li>• گناه</li> <li>• مشروبات الکلی در اسلام حرام است</li> </ul>	<p><b>۱۷. مشروب</b></p>
---	--	-------------------------

• جمع‌بندی: اکثر قریب به اتفاق استادان هم در گروه ۱ و هم در گروه ۲ *شراب* را حرام و مخرب دانسته و نوشیدن آن را گناه شمرده‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• می‌تواند مثبت یا منفی باشد.</li> <li>• بستگی دارد که با چه هدف و نیتی انجام شود.</li> <li>• تجارت خوب است به شرطی که آمیخته به ربا و حرام نباشد</li> <li>• کسب حلال</li> <li>• برای من انحراف از راه است</li> <li>• می‌تواند موجب رشد سرمایه و جامعه باشد و نیز اگر به‌راه نباشد؛</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• شخصاً میلی به آن ندارم</li> <li>• خیلی هم خوب است</li> <li>• پولدار شدن</li> <li>• یک مفهوم کلی است! منظور تان چیست؟</li> <li>• پول، فعالیت، دوری از خانواده</li> <li>• ثروت</li> <li>• خرید و فروش کالا</li> </ul>	<p><b>۱۸. تجارت</b></p>
---	--	-------------------------

<ul style="list-style-type: none"> <li>• موجب تباهی و فساد</li> <li>• بسیار لازم و ضروری و مفید</li> <li>• مشروط به سلامت نفس</li> </ul>		
--	--	--

• جمع‌بندی: بیشتر استادان گروه ۱ تجارت را مفهومی خوب و مثبت و موجب پول و ثروت برشمرده‌اند. استادان گروه ۲ اما اگرچه با نفس تجارت مخالف نبوده‌اند، آن را مشروط به نیت و هدف، حرام یا آمیخته‌نبودن به ربا دانسته‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• بستگی دارد به چه هدفی و از کجا به کجا مهاجرت کنیم</li> <li>• خوب است؛ به شرطی که وطن را فراموش نکنیم</li> <li>• گاهی لازم است</li> <li>• برای کسب فرصت‌های تازه</li> <li>• خیلی خوب و نشانه پویایی است</li> <li>• در مفهوم فرنگی خودش متفاوت است با مفهوم تاریخی که ما در ذهن داریم. شخصاً مایل نیستم یک مهاجر به فرنگ باشم</li> <li>• سکوی پرواز در صورت استفاده بهینه از آن</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اندوه و یأس</li> <li>• تلاشی برای شروع دوباره و فرار از شرایط موجود</li> <li>• بستگی دارد</li> <li>• بی‌هویتی</li> <li>• می‌تواند خوب یا بد باشد و تبعات خوب یا بد داشته باشد</li> <li>• رفتن به یک کشور غریب خوب</li> <li>• رفتن عده‌ای مخصوصاً انسان از محلی به محل دیگر</li> </ul>	۱۹. مهاجرت
---	--	------------

• جمع‌بندی: تقریباً نصف استادان گروه ۱ مهاجرت را خوب و نصف دیگر، آن را بد دانسته‌اند. درمیان استادان گروه ۲ نیز تقریباً همین نظرات (خوب/بد) مشاهده می‌شود با این تفاوت که گاه قیود و شروط مشخص ارزشی بر آن لحاظ شده است.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• کار بیهوده‌ای است و تلف کردن وقت و هدر دادن مال</li> <li>• اگر شرط‌بندی مخالف با موازین اسلامی نباشد اشکالی ندارد</li> <li>• حرام</li> <li>• اصلاً موافق نیستم</li> <li>• بستگی دارد به موضوع، هدف و شرط</li> <li>• نشانه عدم اعتمادبه‌نفس و نوعی ناخودباوری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• زیان‌آور و گناه</li> <li>• نمی‌پسندم</li> <li>• سقوط</li> <li>• در بعضی موارد مثل مسابقات اسب‌سواری جایز است</li> <li>• آغاز خصومت</li> <li>• گناه</li> <li>• یعنی یک حرف بگوید حرف من درست است. دیگری هم بگوید حرف من درست است و در صورت درستی حرف هرکدام، قرار بر دریافت مبلغی یا چیزی شود.</li> </ul>	۲۰. شرط‌بندی
--	---	--------------

- جمع‌بندی: اکثر قریب‌به‌اتفاق استادان گروه ۱ مفهوم شرط‌بندی را منفی ارزیابی کرده و آن را گناه، زیان‌آور، آغاز خصومت و سقوط و... دانسته‌اند. گروه ۲ نیز شرط‌بندی را نپذیرفته‌اند، اما تفاوت ظریفی در میان نحوه ابراز مخالفت با این مفهوم نشان داده‌اند. گروه ۱ برای ابراز نظر خود از واژگان توصیفی با بارهای معنایی مختلف استفاده کرده ولی گروه ۲ عموماً آن را براساس موازین دینی (حرام بودن/ بودن) سنجیده است.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با طراحی و استفاده از یک پرسش‌نامه، به بررسی نظر استادان علوم‌انسانی درباره برخی مفاهیم مناقشه‌برانگیز فرهنگی موجود در کتاب‌های رایج آموزش زبان انگلیسی در ایران پرداخت. همان‌طور که از تعداد پاسخ‌ها به عنوان‌های مطرح در بخش تشریحی پرسش‌نامه استنباط می‌شود، متأسفانه دامنه تعداد عنوان‌های بی‌پاسخ در این بخش بسیار زیاد و ناهمگون بود و همین امر، امکان مقایسه دقیق دو گروه (۲ و ۱) را تا حد زیادی از بین برده است. با این حال، با در نظر گرفتن جوانب، به نظر می‌رسد در مجموع، استادان گروه ۲ (شامل گروه‌های زبان و ادبیات عرب، الهیات و فقه و مبانی حقوق اسلامی) دیدگاه متقن و جزئی‌نگرتری در باب موارد یادشده داشته‌اند و آنها را با عینک دینی و مذهبی دقیق‌تر، با لحاظ کردن نظر فقه و شرع (اسلام)، با استفاده بسیار از جملات شرطی و "اما و اگر" دار و به‌صورت نسبی قضاوت کرده‌اند. در طرف مقابل، استادان گروه ۱ نظرات خنثی‌تر و حتی مثبت‌تری به موارد متعددی از مفاهیم ابراز کرده‌اند. اگرچه ممکن است تعداد محدودی از استادان گروه ۱ به دلیل ناآشنایی با عبارات و نظرگاه‌های دقیق و مشخص دینی، نتوانند نظرات ارزشی خود را به‌درستی و مانند گروه ۲ بیان کنند، در مجموع، پاسخ‌دهندگان گروه ۱ دیدگاه‌های کلی‌تر و شخصی‌تری در مواجهه با این مفاهیم داشته‌اند؛ به‌طوری‌که علاوه بر مشاهده یک‌پارچگی عقیدتی کمتر در دیدگاه آنان، به نظر می‌رسد مفاهیم را بیشتر بر مبنای نظر کلی خود مبتنی بر دانش، احساس و تجربه بیان کرده‌اند.

با نگاهی مجدد به نتایج بخش کمی پرسش‌نامه مشاهده می‌شود که در مجموع، ۱۲ نفر (۵۲ درصد کل مشارکت‌کنندگان در پژوهش) بیشتر مفاهیم را دارای قبح زیاد دانسته‌اند. با توجه به اینکه پاسخ‌دهندگان همگی از استادان علوم‌انسانی دانشگاه و دارای مدرک دکتری تخصصی در رشته خود بودند، چنین رقمی تا اندازه‌ای هشداردهنده است. درحقیقت، بیشتر استادان اغلب عنوان‌های فرهنگی مطرح در کتاب‌های رایج آموزش زبان انگلیسی در ایران را با فرهنگ داخلی و بومی نامناسب و نامتجانس دانسته‌اند. سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر استادان دانشگاه آنها را نامناسب می‌دانند، چرا با وجود نامناسب تشخیص داده‌شدن، این مفاهیم همچنان در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی وجود دارند و کتاب‌ها بدون اصلاح یا

بومی‌سازی محتوایی، همچنان در تیراژ زیادی هم به چاپ می‌رسند (و حتی در دوره‌های فوق‌برنامه آموزش زبان انگلیسی خود استادان هم استفاده می‌شوند).

نتایج پژوهش صادقی و سلطانیان (۱۳۹۰) به صورت نظرخواهی از ۳۸۷ دانشجو درباره موضوع‌های رایج میان دانشجویان ایرانی و موضوع‌های کتاب‌های رایج آموزش زبان انگلیسی بر منطبق‌نبودن این دو تأکید می‌کند و نشان می‌دهد "تعداد زیادی از موضوع‌های رایج در کتاب‌های آموزش زبان در ردیف موضوع‌های لازم و رایج این دسته از فراگیران زبان قرار نمی‌گیرند". این پژوهش می‌افزاید: "این بدان معنی است که فراگیران، ساعت‌های پرارزش خود را به فراگیری موضوع‌هایی می‌پردازند که درنهایت در مکالمات ضروری آنها به کار نمی‌رود و در نتیجه از سویی از موضوع‌های بومی متداول خود جا می‌مانند و از سوی دیگر، بر موضوع‌هایی تسلط پیدا می‌کنند که غریب و غیربومی است و با آیین و ارزش‌های ملی و اسلامی نیز در تناقض است." به هر روی، باید توجه داشت که زبان ظرف و محمل فرهنگ است. کتاب‌های آموزش زبان خواه ناخواه در جهت انتقال مفاهیم فرهنگی، هنجارها و حتی سبک زندگی جامعه مقصد عمل می‌کنند که می‌تواند حاوی پیام‌های مضر برای فراگیرندگان زبان باشد. با توجه به این نکته و دغدغه‌های دانشجویان و استادان، به نظر می‌رسد بازنگری یا اصلاح محتوایی منابع موجود برای آموزش زبان تا حد زیادی نگرانی‌ها را برطرف و سلامت فرهنگی اقلام آموزشی را تضمین می‌کند.

#### پیشنهادهایی برای تحقیقات بیشتر

در اجرای این پژوهش محدودیت‌هایی همچون کم‌بودن تعداد مشارکت‌کنندگان و انتخاب آنان فقط از یک دانشگاه، تعریف‌نشدن استاندارد دقیقی از مفاهیم دارای قبح یا نامتجانس با فرهنگ داخلی و همکاری‌نکردن تعدادی از استادان به دلایل مختلف وجود داشت. پیشنهاد می‌شود محققان آینده جامعه آماری خود را گسترش دهند، نظر استادان مختلف در رشته‌های گوناگون (حتی استادان علوم پایه، فنی‌مهندسی، هنر و...) را تجزیه و تحلیل کنند، و معیار و شاخص مناسب‌تر و دقیق‌تری برای تشخیص مفاهیم ناهمگون یا نامتجانس فرهنگی مطرح کنند.

نکته دیگر اینکه به دلیل ماهیت و موضوع تحقیق و مشکلات مختلف هنگام اجرای آن، متأسفانه از انجام چنین پژوهش‌هایی در کشور ایران استقبال نشده است. در واقع، شاید بتوان گفت به جز معدود دانشگاهیان در حوزه علوم اجتماعی، افراد کمی حاضر به پذیرش خطر نسبی آن هستند. امید است مشارکت پژوهشگران حوزه‌های مختلف علوم انسانی و انجام چنین تحقیقات بین‌رشته‌ای بستر مناسب را برای شناسایی و رفع کمبودها فراهم آورد.



### منابع

- شریفی، شهلا و دارچینیان، فهیمه (۱۳۸۸) "بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه فارسی و پیامدهای آن" مجله تخصصی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱(۱): ۱۴۱-۱۲۷.
- صادقی، آرام رضا و سلطانیان، ناهید (۱۳۹۰) "عدم انطباق میان موضوعات رایج در بین دانشجویان ایرانی و موضوعات کتاب‌های رایج آموزش زبان انگلیسی در ایران"، مجموعه چکیده مقالات اولین کنفرانس سالانه چالش‌ها و ضرورت‌های توجه به فرهنگ در کیفیت آموزش زبان‌های خارجی، آذرماه ۱۳۹۰، دانشگاه تهران.
- گولد، جولیوس. و کولب، ویلیام (۱۳۷۵) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران، تهران: مازیار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- Brown, H. D. (2000). *Principles of Language Learning and Teaching*. New York: Longman.
- Brown, P. and Levinson, S. C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dewaele, J. M. (2004) "The Emotional Force of Swearwords and Taboo Words in the Speech of Multilinguals", *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 25(2&3): 204-222.
- Harris, C. L., Aycicegi, A. and Gleason, J. B. (2003) "Taboo Words and Reprimands Elicit Greater Autonomic Reactivity in a First than in a Second Language", *Applied Psycholinguistics*, 24 (4): 561-579.
- Linfoot-Ham, Q. (2005) "The Linguistics of Euphemism: A Diachronic Study of Euphemism Formation", *Journal of Language and Linguistics*, 4(2): 227-263.
- Qanbar, N. (2011) "A Sociolinguistic Study of The linguistic Taboos in the Yemeni Society", *Modern Journal of Applied Linguistics (MJAL)*, 3 (2&3): 86-104.
- Richards, J. C. and Hull, J. (2009). *Interchange* (Volumes: 1-4). New York: Longman.
- Swan, M. (1385). *Practical English Usage*. Tehran: Jungle Publications.
- Soars, J. and Soars, L. (2001). *Headway* (Volumes: 1-4). New York: Oxford.
- Steiner, F. (1967). *Taboo*. UK: Penguin Books.
- Taboo*. Encyclopedia Britannica: *Ultimate Reference Suite* (Version 2008) [Computer Software]. Chicago: Encyclopedia Britannica.
- Ur, P. (1996). *A Course in Language Teaching*. UK: Cambridge University Press.